



## فقه ۹

### کرایش فقه و اصول

## درس ۵۱

استاد: حجت الاسلام والمسلمین عظیمی

آموزشیار: آقای صبائی

## مقدمه

مطالبی که در این درس به آنها پرداخته می‌شود عبارتند از:

۱. برای متنجس سه صورت متصور می‌باشد:

الف) تطهیر آن ممکن است.

ب) تطهیر آن ممکن نیست ولی انتفاع از آن متوقف بر طهارتش نمی‌باشد.

ج) تطهیر آن ممکن نیست و انتفاع از آن هم متوقف بر طهارتش می‌باشد.

همه علماء در صورت اوّل و دوم قائل به جواز انتفاع از متنجس می‌باشند و تنها در صورت سوم قائل به عدم جواز از متنجس می‌باشند.

۲. ذکر تعدادی از علماء که قائل به جواز انتفاع از متنجس در غالب موارد یعنی صورت اوّل و دوم می‌باشند.

## متن درس:

و قال المحقق و شهيد الثانيان في المسالك<sup>١</sup> و حاشية الارشاد<sup>٢</sup>، عند قول المحقق<sup>٣</sup> و العلامة<sup>٤</sup> (قدّس سرّهما): «تجب ازالة النجاسة عن الاواني» -: انّ هذا اذا استعملت في ما يتوقّف استعماله على الطهارة، كالأكل و الشرب. و سيأتى عن المحقق الثاني في حاشية الارشاد - في مسئلة الانتفاع بالاصباغ المتنجّسه - ما يدلّ على عدم توقّف جواز الانتفاع بها على الطهارة.

و في المسالك - في ذيل قول المحقق (قدّس سره): «و كلّ مائع نجس عدا الأدهان» - قال: لا فرق في عدم جواز بيعها - على القول بعدم قبولها للطهارة - بين صلاحيتها للإنتفاع على بعض الوجوه و عدمه، و لا بين الإعلام بحالها و عدمه، على ما نصّ عليه الاصحاب، و أمّا الأدهان المتنجّسة بنجاسة عارضية - كالزيت تقع فيه الفأرة - فيجوز بيعها لفائدة الاستصباح بها و انما خرج هذا الفرد بالنصّ، و إلّا فكان ينبغي مساواتها لغيرها من المايعات المتنجّسة التي يمكن الانتفاع بها في بعض الوجوه، وقد ألحق بعض الاصحاب ببيعها للإستصباح ببيعها لتعمل صابوناً او يُطلى به الأجر و نحو ذلك. و يشكل بأنّه خروج عن مورد النصّ المخالف للاصل، فان جاز لتحقق المنفعة، فينبغي مثله في المايعات النجسة التي ينتفع بها، كالدبس يطعم النحل و غيره، انتهى<sup>٥</sup>.

ولا يخفى ظهوره في جواز الانتفاع بالمتنجّس، وكون المنع من بيعه لاجل النصّ، يقتصر على مورد.

و كيف كان، فالمتّبع في كلام المتأخّرين يقطع بما استظهرناه من كلماتهم.

<sup>١</sup> المسالك ج ١ ص ١٢٤

<sup>٢</sup> حاشية ارشاد ص ٢٨

<sup>٣</sup> الشرايع ج ١ ص ٥٣

<sup>٤</sup> الارشاد ج ١ ص ٢٣٩

<sup>٥</sup> المسالك ج ٣ ص ١١٩

### «کلماتی از فقها دال بر جواز انتفاع از متنجس در برخی موارد»

بحث در رابطه با بیان کلماتی از علماء بود که از این کلمات استفاده می‌شود که آنها در غالب موارد (مواردی که امکان تطهیر متنجس وجود دارد یا مواردی که اگر چه امکان تطهیر متنجس وجود ندارد ولی انتفاع از آنها متوقف بر طهارت نمی‌باشد) قائل به جواز انتفاع از متنجس می‌باشند و تنها در مواردی که استفاده از آنها متوقف بر طهارت باشد و تطهیر آنها هم ممکن نباشد قائل به عدم جواز انتفاع از متنجس می‌باشند، که در جلسه قبل به تعدادی از آنها پرداخته شد و در این جلسه به بعضی دیگر کلمات اشاره می‌گردد.

محقق اول در «شرایع» و علامه در «ارشاد» فرموده‌اند: «ازاله نجاست از ظروف واجب است»، محقق ثانی در حاشیه خود بر «ارشاد» و شهید ثانی در «مسالک» که شرح بر «شرایع» است، در ذیل این عبارت فرموده‌اند: «وجوب ازاله نجاست از ظرفها در صورتی است که از آنها برای مواردی که نیاز به طهارت است استفاده کنیم مانند اکل و شرب»

مفهوم این سخن آن است که در غیر صورت مذکور، می‌توان از متنجس بدون آنکه از آن ازاله نجاست شود استفاده نمود.

### شرح و تطبیق

و قال المحقق و شهید الثانیان فی المسالک و حاشیة الارشاد، عند قول المحقق و العلامة (قدس سرهما): «تجب ازالة النجاسة عن الاواني» - : ان هذا اذا استعملت فی ما يتوقف استعماله علی الطهارة، كالاكل و الشرب.

در رابطه با کلام محقق اول و علامه که گفته‌اند: «ازاله نجاست از ظروف واجب است» محقق ثانی در حاشیه بر «ارشاد» و شهید ثانی در «مسالک» فرموده‌اند: وجوب ازاله در صورتی است که این ظروف در مواردی استعمال شود که استفاده از آنها متوقف بر طهارت آنها می‌باشد مانند اکل و شرب.

سیأتی عن المحقق الثانی فی حاشیة الارشاد - فی مسئلة الانتفاع بالاصباغ المتنجسة - ما يدل علی عدم توقّف جواز الانتفاع بها علی الطهارة.

و از محقق ثانی در حاشیه ارشاد در مسأله استفاده از رنگ‌های متنجس، کلماتی خواهد آمد که دلالت دارد بر اینکه جواز انتفاع از آنها متوقف بر طهارت آنها نیست (و لذا استفاده از رنگهای متنجس جایز می‌باشد)

SCO۱: ۴:۴۵

### شواهدی در کلام شهید ثانی مبنی بر جواز انتفاع از متنجس

در رابطه با متنجس دو بحث وجود دارد:

۱. جواز انتفاع از متنجس (که مورد بحث ما می‌باشد)

۲. جواز بیع متنجس (که مورد بحث ما نمی‌باشد)

محقق اول در شرایع فرموده است: «بیع هر مایع نجسی غیر از روغن‌های نجس ممنوع می‌باشد.»

شهید ثانی در شرح این عبارت در «مسالك» مطالبی فرموده که از آن مطالب می‌توان جواز انتفاع از متنجس را بدست آورد.

شهید ثانی فرموده است: در عدم جواز بیع هر مایع نجسی غیر از روغن‌های متنجس فرقی ندارد که متنجسات صلاحیت انتفاع در بعضی از وجوه را داشته باشند یا نداشته باشند (یعنی منفعت حلال داشته باشند یا نداشته باشند) در هر دو صورت بیع آنها جایز نیست.

همان‌طور که در عدم جواز بیع مایع نجس غیر از روغن‌های متنجس فرقی ندارد که فروشنده به مشتری نجاست آن را اعلام کند یا نکند، در هر دو صورت بیع آنها جایز نیست.

شیخ انصاری می‌فرمایند، اینکه شهید ثانی گفته است: «چه متنجس صلاحیت انتفاع داشته باشد یا نداشته باشد بیع آن جایز نیست» اولین شاهد بر جواز انتفاع از متنجس در کلام شهید می‌باشد.

در ادامه شهید ثانی فرموده است: روغن‌هایی که دارای نجاست عرضی می‌باشند (مانند روغن زیتونی که موشی در آن بیفتد و بمیرد) بیعتشان به جهت وجود نصّ خاص جایز است و الا اگر نصّ و روایت خاصی نبود باید قائل می‌شدیم که: همان‌طور که سایر مایعات متنجسه با اینکه دارای منافع حلال می‌باشند ولی بیعتشان جایز نیست، بیع روغن متنجس هم جایز نباشد.

مصنف می‌فرمایند اینکه شهید ثانی گفته است: «سایر مایعات متنجسه با اینکه دارای منافع حلال می‌باشند بیعتشان جایز نیست» شاهد دیگری است بر اینکه متنجس صلاحیت انتفاع را دارد.

شهید در پایان فرموده است: بعضی از علماء بیع روغن متنجس را برای مصارف دیگری همانند ساختن صابون یا چرب کردن کسی که مبتلا به بیماری گری است و مانند آن تجویز کرده‌اند، لکن حق آن است که بیع روغن متنجس تنها برای استصباح جایز است، زیرا اصل اوّلی در باب بیع، عدم جواز و اصاله الفساد است لذا در مخالفت با اصل باید به قدر متیقن اکتفا کرد و قدر متیقن، بیع برای استصباح است که نصّ خاصی دارد زیرا اگر بیع روغن متنجس، به جهت داشتن منفعت جایز باشد دلیلی ندارد که به روغن نجس اکتفا کنیم، بلکه باید قائل به جواز بیع در سایر مایعات متنجس هم باشیم زیرا سایر مایعات متنجس هم قابل انتفاع می‌باشند مانند شیر نجس که به زنبور عسل داده می‌شود یا رنگ نجس که به دیوار کشیده می‌شود؛ در حالیکه بیع اینها را جایز ندانسته‌اند.

شیخ انصاری می‌فرماید کلام شهید ثانی مبنی بر اینکه: «سایر مایعات متنجس هم قابل انتفاع می‌باشند» شاهد سوم ما از کلام شهید است که انتفاع از متنجس جایز است اگر چه بیعتش ممنوع است.

شیخ انصاری در پایان می‌فرماید: کلام شهید ظهور در جواز انتفاع به متنجس دارد، اما اینکه بیع متنجس ممنوع است به جهت نصّ خاص می‌باشد و لذا به جهت نصّ، بیع متنجس جایز نیست، اما سایر انتفاعات جایز می‌باشد.

## شرح و تطبیق

و فی المسالک - فی ذیل قول المحقق (قدس سره): «و کل ماء نجس عدا الأدهان» - قال: لا فرق فی عدم جواز بیعها<sup>۱</sup> - علی القول بعدم قبولها للطهارة - بین صلاحيتها للإنتفاع علی بعض الوجوه و عدمه، و لا بین الاعلام بحالها و عدمه، علی ما نصّ علیه الاصحاب.

شهید ثانی در کتاب «مسالک» در ذیل کلام محقق که فرموده است: «هر مایع نجسی غیر از روغن‌ها (معامله‌اش جایز نیست)» گفته است: در عدم جواز بیع مایعات نجس - بنابر اینکه قائل شویم این مایعات قابلیت طهارت ندارند - فرقی نیست بین اینکه صلاحیت برای انتفاع در بعضی وجوه را داشته باشند یا نه (یعنی منفعت حلالی داشته باشند یا نه) و فرقی نیست بین اینکه حال آن مایعات (به مشتری) اعلام بشود یا نشود، بنابر آنچه اصحاب به آن تصریح کرده‌اند (که بیع مایعات نجسه ولو دارای منفعت حلال باشند جایز نیست)

و اما الأدهان المتنجسة بنجاسة عارضية - کالزیت تقع فيه الفأرة - فیجوز بیعها لفائدة الاستصباح بها و انما خرج هذا الفرد بالنص، و ألا فکان ینبغی مساواتها لغيرها من المایعات المتنجسة التي یمکن الانتفاع بها فی بعض الوجوه و اما روغن‌هایی که به نجاست عارضی متنجس شده‌اند - مانند روغن زیتون که موشی در آن بیفتد - پس بیع آن برای فایده استصباح جایز است، و همانا این فرد (بیع روغن متنجس برای استصباح) از عدم جواز بیع به جهت نصّ خارج شده است و ألا (اگر نصّی وجود نمی‌داشت) شایسته بود که با سایر مایعات متنجسه که انتفاع آنها در بعضی وجوه ممکن است (دارای منفعت حلال می‌باشند) مساوی باشد (و بیعش جایز نباشد).

SCO۲ : ۱۴:۳۰

## الحاق برخی امور به مورد نص

همانطور که گذشت در نص، بیع روغن متنجس را برای بعضی از منافع جایز شمرده است. برخی از فقها چند منفعت دیگر را هم ملحق بدان کرده و بیع بخاطر آنها را هم جایز شمرده‌اند.

## شرح و تطبیق

و قد الحق بعض الاصحاب بیعها للإستصباح بیعها لتعمل صابوناً او یطلى به الاجرب و نحو ذلک.

و (شهید ادامه داده که) به تحقیق بعضی از اصحاب به جواز بیع روغن متنجس برای استصباح، بیع روغن متنجس برای ساختن صابون یا چرب کردن حیوان مبتلا به بیمان جَرَب و مانند آن را ملحق کرده‌اند (و در این مورد هم قائل به جواز بیع شده‌اند)

<sup>۱</sup> بیشتر بدانیم: مرجع ضمیر در «عدم جواز بیعها» «مایعات متنجسه» می‌باشد که از عبارتهای قبلی شهید که شیخ انصاری آنها را ذکر نکرده روشن می‌شود.

## اشکال شهید به الحاق منافع خارج از نص به مورد نص

شهید بر ابن بعض اصحاب اشکالی وارد کرده و این الحاق را خروج از نص می‌داند. توضیح اینکه در مواقعی که نصی بر خلاف اصل صادر می‌شود باید به همان مورد نص اکتفا نمود و نمی‌تواند مواردی که در نص نبوده را بدان ملحق کرد.

### شرح و تطبیق:

و یشکل بآنه خروج عن مورد النصّ المخالف للاصل، فان جاز لتحقق المنفعة فینبغی مثله فی المایعات النجسة التي ینتفع بها، کالدبس یطعم النحل و غیره، انتهى.

(شهید اشکال کرده که) این الحاق مشکل می‌شود از آن جهت که این الحاق، خروج از مورد نصی است که مخالف اصل است (یعنی اصل آن است که بیع متنجسی که قابلیت طهارت را ندارد جایز نمی‌باشد ولی در خصوص بیع برای استصباح نصّ خاص بر جواز وارد شده است، و لذا در خصوص نصّ به اصل عمل نمی‌کنیم ولی در غیر مورد نصّ، مطابق اصل عمل می‌کنیم)

پس اگر بیع روغن متنجس برای تحقق فائده (صابون سازی و...) جایز باشد، پس شایسته است در دیگر مایعات متنجسه‌ای که دارای منفعت می‌باشند هم، قائل به همین حکم (جواز بیع) شد، مانند شیر که به زنبور عسل خوراند می‌شود و غیر آن.

SC03 : ۲۰:۴۰

## برداشت شیخ انصاری

شیخ انصاری از کلماتی که نقل کرده برداشتی دارد که در بخش تطبیق به آن اشاره می‌کنیم.

### شرح و تطبیق

ولا یخفی ظهوره فی جواز الانتفاع بالمتنجس، و کون المنع من بیعه لاجل النصّ، یقتصر علی مورد.

و (شیخ انصاری از کلمات مذکور چنین برداشت می‌کند): مخفی نیست که کلام شهید ظهور در (اولاً) جواز انتفاع به متنجس دارد و (ثانیاً) اینکه ممنوعیت بیع متنجس به جهت وجود نصّ است که باید بر مورد نصّ اکتفا کرد<sup>۱</sup> (و در سایر موارد حکم به جواز کرد).

<sup>۱</sup> بیشتر بدانیم: شیخ انصاری در نتیجه‌گیری از کلام شهید در مسأله فرمود: «و لا یخفی ظهوره فی جواز الانتفاع بالمتنجس و کون المنع من بیعه لأجل النصّ» یعنی: ظاهر کلام شهید ثانی آن است که انتفاع از متنجس جایز است و اما اینکه خصوص بیع متنجس منع شده است به جهت دلیل و نصّ خاص می‌باشد و الا اگر نصّ خاص نبود، بیع آن هم جایز بود.

بعضی از محشّین در اینجا اشکالی را متوجه شیخ انصاری کرده‌اند مبنی بر آنکه در کلام شهید ثانی اسمی از «نصّ» برده نشده، لذا شما چگونه آن را به شهید ثانی استناد می‌دهید؟

لذا در مقام توجیه کلام شیخ انصاری فرموده‌اند:

و کیف کان، فالمتتبع فی کلام المتأخرین یقطع بما استظهرناه من کلماتهم.

و به هر تقدیر کسی که در کلام علماء متأخر جستجو کند به آنچه ما از کلام آنها برداشت کردیم قطع پیدا می‌کند.

SCO: ۲۷:۳۶

---

اگر چه در منطوق کلام «مسالک» نامی از «نص» برده نشده ولی کلام شهید به دلالت التزامی دلالت بر وجود «نص» می‌کند زیرا: شهید فرموده است: «انتفاع به متنجس جایز است» و چیزی که دارای منفعت حلال است مال است، لذا باید علی‌القاعده گفته شود: اگر متنجس دارای منفعت حلالی باشد بیع آن جایز است، در حالیکه فرموده است: «بیع متنجس جایز نیست چه دارای منفعت حلال باشد یا نباشد.» اینک شهید بر خلاف قاعده، حکم به عدم جواز بیع کرده حاکی از آن است که نصی در اختیار شهید بود که مطابق آن بر خلاف قاعده حکم کرده است و الا هیچ فقیهی بر خلاف قاعده حکم نمی‌دهد.



## چکیده

۱. برای متنجس سه صورت متصور است:

الف) متنجسی که تطهیرش ممکن است.

ب) متنجسی که تطهیرش ممکن نیست ولی انتفاع از آن متوقف بر طهارتش نمی باشد.

ج) متنجسی که تطهیرش ممکن نیست و انتفاع از آن هم متوقف بر طهارتش می باشد.

۲. تعدادی از علماء را نام بردیم که قائلند انتفاع از متنجس در غالب موارد (صورت اول و دوم) جایز می باشد؛ مانند محقق ثانی در حاشیه ارشاد و شهید ثانی در مسالک.

۳. شیخ انصاری پس از نقل کلام شهید ثانی از مسالک الإفهام، با استناد به سه قسمت از کلام ایشان، چنین برداشت می کند که به نظر شهید ثانی انتفاع از متنجس، جایز می باشد. شهید ثانی چنین فرموده است: «چه متنجس صلاحیت انتفاع داشته باشد یا نداشته باشد، بیع آن جایز نیست»؛ «سایر مایعات متنجسه با اینکه دارای منافع حلال می باشند، بیعشان جایز نیست»؛ «سایر مایعات متنجسه هم قابل انتفاع می باشند». از این عبارات معلوم می شود که متنجس صلاحیت انتفاع را دارد.